

اسپانیا و امپریالیسم

نوشته: خوزه هاریا و ایدل ویلا

برگردان: کیومرث پریانی

این مقاله در يك همگانی بین‌المللی درباره «امپریالیسم امروز» که در دانشگاه بارسلونا (اسپانیا) و در تاریخ ۱۰ تا ۱۲ ماه مه ۱۹۷۷ برکنفر شده است*
نویسنده استاد اقتصاد دانشگاه بارسلونا است.

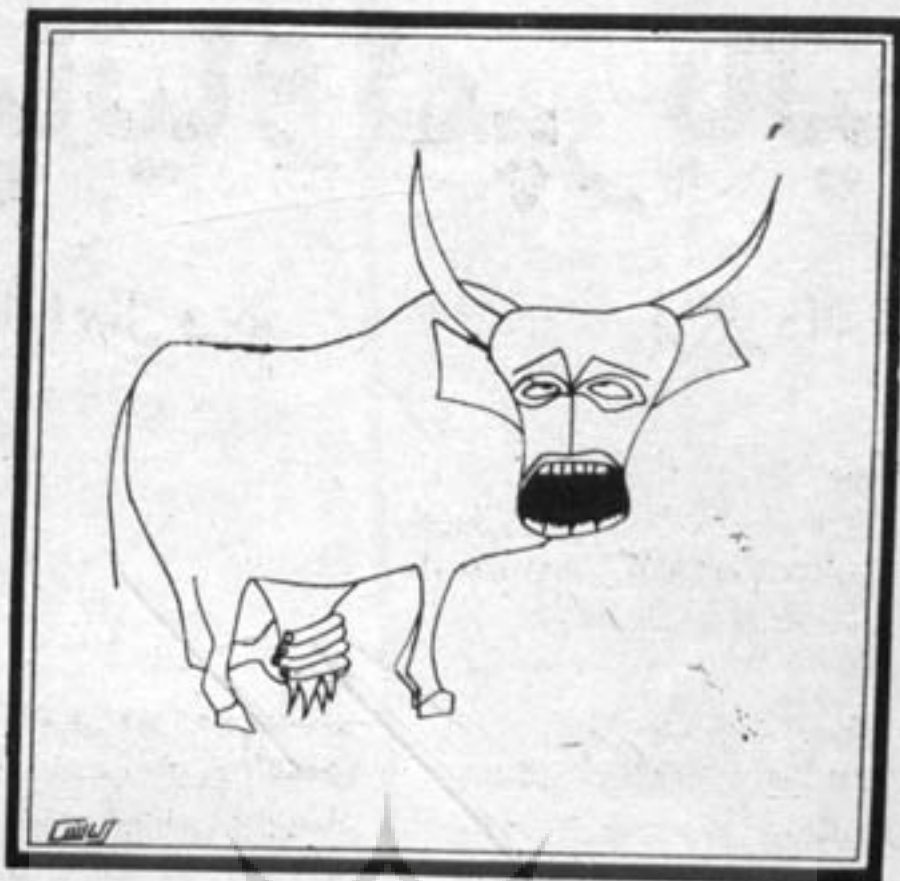
ویژگیهای مشخصی شکل بندی اجتماعی هواره بر حسب دو عامل مشخص می‌شوند، که مکمل هم و اغلب تعیین کنندهی یکدیگرند. عامل درونی، که از نقطه نظر طبقات اجتماعی و بنیاد اقتصادی، نشانگر پویای تاریخی است که به ساخت کنونی جامعه می‌گردد، مورد مطالعه می‌انجامد. و عامل برونی که به طریق مشخصی اشاره می‌کند که این شکل بندی اجتماعی، از آن طریق، به باقی جهان مربوط می‌گردد، رابطه‌ای کمی‌تواند شکل ساده مبادله‌ی تجارتی یافتن در اقتصاد جهانی را بخود بگیرد، خواه به صورت یک شکل بندی مسلط باشد یا تحت تسلط.

با پیدایش امپریالیسم، به عنوان مرحله‌ی خاص از توسعهی سرمایه‌داری، این عامل برونی پدیدار گشت. و ساخت کشورهای امپریالیستی (منظور بنیاد اقتصادی آنهاست) و همچنین کشورهای مستعمره را شکل بخشید. منظورم اینست که، امپریالیسم صحنه را برای ایجاد نوعی «زنجر امپریالیستی» آماده ساخت که حلقه‌های این زنجر، یعنی شکل بندیهای اجتماعی، موقعیتهای این پویا را تشکیل دادند. موقعیت مشخص شکل بندیهای مختلف اجتماعی، در چارچوب این زنجر امپریالیستی، توسط امکان‌شان برای توسعهی سرمایه‌داری در جهت جهان خارج یا امکان دخالت خارجی در خاک آنها، تعیین می‌گردد. بنابراین، سده‌ی بیستم شکلی از یک توسعه زنجر امپریالیستی ایجاد کرده است و بدین ترتیب اصولاً وجود دو بلوک بزرگ از کشورها مشخص شده، که روابط آنها بر اساس الگوهای وابستگی و تسلط بنا شده است. مرکز، یا بلوک امپریالیستی، که در آن توسعهی سرمایه‌داری مستقل و «خود نگاهدار» (و به علاوه، مخترع گسترش امپریالیستی) است، و پیرامون، که از مجموعه‌ی شکل بندیهای اجتماعی و کشورهای که تحت تسلط مرکزند تشکیل یافته، و بنابراین، اقتصاد آنها وابسته به سوی جهان خارج متمایل بوده و از نظر داخلی یگانگی ندارند. روابط بین‌المللی استثمار در این تضاد مرکز با پیرامون متبلور گشته است.

تشکیل این نظام شکل بندیهای اجتماعی سرمایه‌داری بر پایه‌ی دو مسیر عمده‌ی توسعهی سرمایه‌داری بوده است. یکی سرمایه‌گذاری خارجی در خارج که توسط کشورهای امپریالیستی صورت گرفته، دیگری روابطی است که از طریق بازار جهانی برقرار شده‌اند. هر دو مورد تعیین کننده‌ی موجودیت ساختی پایدار از روابطی هستند که توسعه‌ی برخی کشورها و عدم توسعه‌ی دیگران را تأمین می‌کند.

از پایان جنگ جهانی دوم تاکنون، نظام شکل بندیهای اجتماعی سرمایه‌داری توسط استیلای ایالات متحد بر جهان، بازمی‌آید. و وابستگی رو به فزون کشورهای پیرامون به مرکز مشخص بوده است. این پویا به نوع ویژه‌ای از تقسیم بین‌المللی کار انجامیده است، که در آن «پیرامون» در تولید محصولات کشاورزی، مواد خام معدنی مختص صادرات یا، در برخی موارد، در تولید محصولات ساخته شده‌ی مختص مصرف بسیار انبوه مانند منسوجات، برخی از بخشهای صنعت متالورژی، چرم، کفش، و غیره تخصیص یافته‌است. در هر صورت، اینها فعالیت‌های صنعتی طرح شده برای صادرات‌اند و بنابراین توانایی ساختن مدل توسعه‌ی مستقل داخلی را ندارند. از سوی دیگر، مرکز کنترل و نظارت خود را بر بخشهای عمده‌ی اقتصادی، بویژه بر نوآوریهای تکنولوژیک و جریان سرمایه محفوظ نگه می‌دارد.

و این دقیقاً جریان سرمایه‌است که سنک زیر بنای این عمارت را تشکیل می‌دهد. و از این نظر، روشن است که بین‌المللی کردن سرمایه‌داری پویایی است که فقط اخیراً به توسعه‌ی کامل خود رسیده‌است. حرکت آزاد سرمایه در درون نظام سرمایه‌داری، حرکت آن از یک شکل بندی اجتماعی به یک شکل بندی دیگر، و از یک بخش صنعتی به یک بخش دیگر، بدون آن که موانعی عمده جلوگیری آن باشد، در این پویا به عنوان مثال نشان داده می‌شود. در حقیقت، بین‌المللی کردن سرمایه نوعی بنیاد مادی، یعنی شرکتهای چند ملیتی، بوجود می‌آورد که کارکرد آن دیگر با مرزهای ملی محدود نمی‌گردد. اما، این پویا در تحت تسلط و استیلای مرکز، ایالات متحد، صورت می‌گیرد و بر اساس استثمار پیرامون قرار دارد. بنابراین، به منظور تعیین موقعیتی که یک شکل بندی اجتماعی عینی، مانند اسپانیا، در درون زنجر امپریالیستی اشغال می‌کند احتیاج به بررسی به‌عنصر اساسی داریم: (۱) - مکان آن در بازار جهانی، (۲) - نقش آن در پویا بین‌المللی کردن سرمایه و رفتار آن نسبت به سرمایه‌گذاری خارجی، و بالاخره (۳) - موقعیتی که شکل بندی اجتماعی مورد نظر در تقسیم بین‌المللی کار اشغال می‌کند. بدیهی است که، تمام اینها باید در زمینه‌ی تکامل تاریخی شکل بندی اجتماعی و ساخت طبقاتی ویژه‌ی آن بررسی گردد.



تکامل اخیر سرمایه‌داری در اسپانیا

تعیین مشخصه‌های اسپانیا به عنوان یک شکل بندی اجتماعی عینی ساده نیست. این کشور، ویژگیهای مشترک کشورهای پیرامون را نشان نمی‌دهد. براساس قراردادهای سنتی نیز نمی‌توان آنرا به عنوان یک کشور امپریالیست در نظر گرفت. این درست است که، اسپانیا یک نوع پویش توسعه‌ی سرمایه‌داری مستقل را گذرانیده است، که به طور عمده بر برخی ملیتها مانند «باسک» و «کاتلان» متمرکز بوده، و این توسعه همانند توسعه‌ی دیگر کشورهای اروپایی بسوخته است. اما، وجود دائمی نوعی الیگارش‌ی کشاورزی و چیرگی آن بر باوگ قدرت حاکم گونه‌ای توسعه‌ی سرمایه‌داری دگرگون تولید کرده است که من قصد بررسی آنرا در اینجا ندارم. سرمایه‌داری اسپانیا از مراحل دخالت‌شدید سرمایه‌ی خارجی و، همچنین، «توسعه ملی» گذشته و به تشکیل یک دولت سرمایه‌داری مستقل انجامیده است که الیگارش‌ی مالی، پس از پیروزی فرانکو در جنگ داخلی، بر آن حکومت رانده است. به دوره‌ی فرانکو، به گونه‌ای عینی‌تر، مراجعه خواهیم کرد.

تحلیلهای توسعه‌های اخیر سرمایه‌داری اسپانیا براساس یک فرمول بندی کلاسیک قرار گرفته و، آن تقسیم دوره‌ی فرانکو به دو مرحله‌ی روشن جدا از هم است: یکی دوره‌ی پس از پایان جنگ داخلی تا ۱۹۵۹ و دیگری دوره‌ای که با برنامه‌ی ثبات (اقتصادی) ۱۹۵۹ آغاز شده و حدود آن به آغاز دهه‌ی ۱۹۷۰ می‌رسد. بنابر نظر برخی مولفان، دوره‌ی دوم به یک مرحله‌ی جدید و سوم انتقال یافته است که معمولاً به عنوان یک بحران‌دال بر شکست مدل توسعه‌ی پیشین، تعریف شده است. این تصور

استدلال می‌شود که، طبقه بندی این مرحله، به گونه‌ای مثبت، بسیار زود است، یعنی تأیید این که آیا این مرحله نشانگر آغازیست بر مسیری جدید از توسعه سرمایه‌داری، یا حتی این که آیا مدل پیشین در واقع به حدود خود رسیده است و ایسن که، بنابر این، تغییری ریشه‌ای لازم است که بر حسب یک تغییر ساختارنی مشکل گردد، و بر ریشه‌های سرمایه‌داری در اسپانیا اثر بگذارد و نیاز به یک انتقال سوسیالیستی را ایجاد کند بسیار زود است. بیایید این مراحل را با دقت بیشتری بررسی کنیم.

طی نخستین دوره، از پایان جنگ داخلی تا برنامه‌ی ثبات (اقتصادی) ۱۹۵۹، مهمترین رویدادهایی که رخداد عبارتند از:

(الف) - پیروزی قیام فرانکو بر علیه جمهوری و استقرار رژیم جدید که از قرار معلوم ویژگیهای آن همانند با ویژگیهای رژیمهای آلمان هیتلری و ایتالیای موسولینی بود.... این موضوع به تشکیل دولتی «قوی» در اسپانیا و ایجاد اتحادسیاسی با آلمان و ایتالیا انجامید، کشورهایی که در جنگ جهانی دوم شکست خوردند. معذالك، با توجه به این موضوع، نکته‌ی مهم اینست که علی رغم اتحاد با فاشیسم، رژیم فرانکو، گرچه از نظر ذیلمات (سیاسی) منزوی شد اما در جنگ از بین نرفت. دخیل شدن اسپانیا در نظم امپریالیستی جدید پس از جنگ جهانی دوم صورت گرفت، منتها، آهسته و از بیراهه، اسپانیا در طرح مارشال (۱) شرکت نمی‌جوید و، برخلاف دیگر کشورهای اروپا، «غذای روحی آمریکایی» را دریافت نمی‌کند، خلاصه، اسپانیاجزو قافله‌ی فرمانبرداران ایالات متحد نیست، واقعیتی که به روشنی بقیه در صفحه ۵۵

دوره دوم : از برنامه‌های ثبات (اقتصادی) تا بحران

برنامه‌های ثبات، موقعیت اسپانیا را در زنجیر امپریالیسم تغییر می‌دهد. قبل از هر چیز، اسپانیا در این زنجیر کاملاً درگیر می‌شود. اقدامات مالی پذیرفته شده - از جمله، تبدیل پذیری پستا (۴) - آزاد شدن تجارت خارجی، سیاست جدید برای سرمایه‌گذاری خارجی و غیره، دخل شدن اسپانیا را به بازار جهانی آسان می‌سازد. از سوی دیگر، در آغاز، در دسترس بودن نیروی کار ارزان و کنترل سیاسی شدید آن از سوی دولت باز دارنده، عوام‌سال مهم جنب سرمایه‌گذاری خارجی به اسپانیا را تشکیل می‌هد. این دوره با یک مدل توسعه‌ی جدید آغاز می‌گردد که جهت آن بری اقتصاد اسپانیا به سوی خارج است، همان طور که اسپانیا پس از بیست سال زیستن به حالت انزوا احتیاج داشت که با آغوش باز به جهان «خارج» روی آورد.

در میان ویژگیهای عمده این دوره به آنها که در زیر آمده است توجه می‌کنیم :

(۱) - افزایش حجم تجارت خارجی، از جمله گسترش قابل ملاحظه‌ی واردات و وسایل تولید. همچنین، در این دوره افزایش در موازنه‌ی نامناسب تجارت وجود دارد.

(۲) - رز خارجی لازم برای جبران موازنه‌ی نامناسب خارجی از دو منبع اصلی بدست می‌آید: نخست، مهاجرت زیاد کارگران اسپانیایی به کشورهای سرمایه‌داری اروپایی - بیشتره‌تر، و دوم، جریان قابل ملاحظه‌ای از جهانگردان (توریست‌های) اروپایی و اسپانیایی.

(۳) - اما، از نقطه نظر دخول اسپانیا به زنجیر امپریالیسم، ممکن است سرمایه‌گذاری مهمترین عامل باشد. جریان سرمایه‌گذاری خارجی به اسپانیا، پس از صدور قوانینی که به این جریان نظم بخشید، علاوه بر چیزهای دیگر، بازسازی تعدادی از بخشهای صنعتی اسپانیا را موجب می‌گردد. افزایش باروری، استقرار روشهای جدید تولید، بهبود کیفیت کالاهای تولیدشده، معرفی ماشین‌آلات جدید و آغاز استفاده‌ی تکنولوژی خارجی با یک مقیاس وسیع در این بخشها تجربه می‌گردد. کار برد تکنولوژی خارجی به مقیاس وسیع، پوشش توسعه‌ی شتابان صنعتی را ایجاد می‌کند. و این همان توسعه‌گرایی دهه‌ی شصت اسپانیا، یعنی «معجزه‌ی اسپانیا» است که از ضعفهای بسیاری برخوردار است، که مهمترین آن همه وابستگی شدید این توسعه به عوامل خارجی است.

تجارت خارجی اسپانیا

طریقی که اقتصاد اسپانیا از آن به زنجیر امپریالیسم داخل شد تا اندازه‌ای به ساخت تجارت خارجی آن بستگی دارد. به طور سنتی، اسپانیا از یک موازنه‌ی نامساعد تجارت برخوردار بوده و هنوز هم هست. یعنی، همان گونه که پیشتر هم گفتیم، به خاطر جبران کسری موازنه، اقتصاد اسپانیا بناچار باید به‌جوخه ارسالی کارگران مهاجر، در آمدهای ارز خارجی ناشی از جهانگردی (توریسم)، و جریان ورودی خالص سرمایه متکی باشد. اما، نسبت به این موضوع، مهمترین عامل همان ساخت تجارت خارجی است، که از قبل دل بربك نوع وابستگی ساختارسی

این کشور را دور از همایگان اروپایی‌اش قرار می‌دهد. (ب) - این دوره، در اسپانیا، دوره‌یست با یک سیاست خود کفائی نسبی (۲)، بازارهای سیاه، و دخالت دولت. طی نخستین سالهای این دوره، تعدادی قانون مبنی بر دخالت دولت صادر می‌شود که زمینه را برای توسعه‌ی سرمایه‌داری اسپانیا فراهم می‌سازد، از جمله: ایجاد موسسه‌ی صنعتی کردن ملی، اقدامات دفاعی به نفع صنایع ملی، و غیره. ما باید به این مطلب، کمیابی فوق‌العاده‌ی مواد خام، سوخت، وسایل تولید و، وسایل مصرف را نیز بیافزاییم. اما در عین حال، مجموعه‌ی جدیدی از طبقات اجتماعی شروع می‌کند به تحکیم قدرتش. این مجموعه به‌وسیله‌ی هنرپرستی بورژوازی عالی با زمینداران و، بورژوازی صنعتی «همیشه حاضر» با تازه واردان پیرو فرانکو مشخص می‌شود (گروه دوم توسط سرمایه‌دارانی تشکیل شده که در سنگر بوروکراسی قرار گرفته و ثروت خود را در گرما گرم پیروزی فرانکو، در جنگ داخلی، انباشته‌اند). از سوی دیگر، می‌بینیم که طبقه‌ی کارگر و دیگر طبقات عمومی که در جنگ داخلی شکست خورده‌اند، بعداً قربانی فقر و خفقان که از مشخصات دوره‌ی نخست پیرون فرانکو است، می‌شوند.

تراکم سرمایه، براساس استعمار شدید و گسترده‌ی کارگران، پایه‌ی برگشت به سلوچ توسعه‌ی پیش از جنگ (داخلی) را بوجود می‌آورد، هدفی که در ۱۹۵۱ کم و بیش صورت تحق می‌پذیرد. فقط در آن زمان است که یانکی‌ها (آمریکایی‌های شمالی) دخالت آشکار خود را در اقتصاد اسپانیا آغاز می‌کنند: یعنی ده سال پس از استقرار استبداد، اما پیش از این که اسپانیایی فرانکو، از نظر سیاسی، توسط قدرتهای دموکراتیک غربی به رسمیت کامل شناخته شود. اهمیت این واقعیت از نظر درك داخل شدن اسپانیا در زنجیر امپریالیسم اساسی است. ایالات متحد، با توجه نکردن به موافقتهای بین‌المللی مربوط به اسپانیا، به بهانه‌ی وجود خطر کمونیست (این رویدادها در اوج جنگ سرد رخدادند)، دخالت خود را در اسپانیا از طریق یک سلسله موافقت‌های نظامی آغاز کرد. این موافقت‌ها که مستلزم وجود پایگاههای آمریکای شمالی در خاک اسپانیا بودند در عرصه‌ی همکاری اقتصادی و قولهای سیاسی آمریکا به دولت فرانکو صورت گرفت، قول عمده پذیرش رژیم فرانکو به وسیله‌ی قدرتهای غربی بود. بازده این سیاست ورود اسپانیا به‌مازمان ملل است. اما واقعیت مهم که باید در اینجا تذکر داده شود اینست که روابط میان رژیم فرانکو و امپریالیسم آمریکا پیش از منظم شدن روابط اسپانیا با سایر کشور های اروپایی آشکار می‌گردد. یعنی، اسپانیا به عنوان بسك عنصر پیرو سیاست آمریکای شمالی و دقیقاً به سبب حمایت آمریکا از آن به زنجیر امپریالیستی می‌پیوندد.

نتایج نخستین دوره‌ی مداخله فقط در دوره‌ی میان ۱۹۵۳ (هنگامی که موافقت میان آمریکا و اسپانیا امضاء می‌شود) و ۱۹۵۹ آشکار گردید. نهادهای اقتصادی و قوانین مناسب، همراه با یک بحران داخلی و کسر بودجه‌ی خارجی روبه فزون، رژیم را ناچار به پذیرش یک سیاست اقتصادی جدید کرد که تحت لوای «برنامه‌ی ثبات» (اقتصادی) آغاز گردید. بیست سال طول کشید تا رژیم استبدادی فرانکو به صورت بخشی از نهادهای اقتصادی نظم جدید امپریالیسم (مثلاً، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (۳) قرار بگیرد و، به وضعیتی همانند باوضعیت دیگر کشورهای سرمایه‌داری، در چهارچوب مفهوم جهانی ملتها، برسد. بنابر این، نسبت به تکامل مشترک کشورهای دیگر در زنجیر امپریالیسم،

است. در واقع، بررسی واردات اسپانیا نشانگر برتری «سواد خام و محصولات نیمه ساخته» و وسایل تولید است. این نوع تاکید بر وارد کردن وسایل تولید خارجی به نوبه خود نیاز به وارد کردن تکنولوژی (خارجی)، و یا آنچه را که عموماً «فوت و فن» کار می‌نامند، برای استفاده از این وسایل را ایجاد می‌کند. در پایان، این پوشش به خروج جریان اندوخته های ارز خارجی، از طریق پرداختی‌های مربوط به حق امتیاز استفاده از اختراعات ثبت شده خارجی، می‌انجامد.

جنبه‌ی مهم دیگری از این پوشش در پشت این واقعیت نهفته است که با معرفی و استفاده از این گونه وسایل تولید، به شکل وسایل مولد یا ماشین آلاتی که به منظور استفاده از مزیت صرفه‌جویی‌های مقیاس (O) در بازارهایی بزرگتر از بازار اسپانیا طرح شده‌اند، هزینه‌ی تولید کالاهای ساخته شده در اسپانیا (با استفاده از این گونه وسایل وارد شده) در مقایسه با هزینه تولید کالاهای مشابه در کشوری که این گونه وسایل را صادر می‌کند بیشتر است. به این دلیل، کالاهای تولید شده در اسپانیا، در بازار جهانی قابل رقابت نیست، و بازار داخلی را باید با استفاده از تعرفه‌های زیاد (گمرکی) محافظت نمود.

مع‌ذالك، اقتصاد اسپانیا تغییر ساختار مهمی در ترکیب صادرات خود وجود آورده است. این موضوع، علی‌رغم طریق خاصی که اسپانیا به بازار جهانی بند شده است و تا آنجا که به نوآوری‌های تکنولوژیک مربوط می‌گردد، خود همین وابستگی است.

ساخت صادرات اسپانیا در سالهای ۱۹۶۲ و ۱۹۷۴

درصد	درصد
۱۹۶۲	۱۹۷۴
فرآورده‌های غذایی و کشاورزی	۵۵
مواد خام و سوخت	۱۴
ماشین‌آلات و مواد حمل و نقل	۷
سایر تولیدات	۲۴

ماخذ: مدیریت عمومی گمرکات. نقل قول شده به وسیله «بونو» و «گاریا»، در شماره‌های ۹ و ۱۰ از جدول (۱) آشکار است که اسپانیا از یک صادرکننده مواد خام و محصولات کشاورزی به یک صادرکننده محصولات

ساخته شده یا نیمه تمام انتقال یافته است. وسایل تولید نیز بخش مهمی از این صادرات را تشکیل می‌دهد، حتی اگر محصولات مصرفی نمودار بخش اصلی آن باشد. در هر صورت، هم‌اکنون کالاهای صنعتی صادر شده از اسپانیا بخشی از ارزش ناشی از وسایل تولید را در بردارد که در اصل آنها را وارد می‌کردند.

بنابراین، روابطی که از طریق تجارت بین‌المللی برقرار می‌شود، روابط انقیاد و وابستگی است، زیرا سرمایه‌داری اسپانیا به خاطر تکمیل کردن صنایع خود باید وسایل تولید، بوسه تکنولوژی خارجی، را از خارج وارد کند. این ارزیابی درباره‌ی موسسه‌های انتقالی اسپانیایی نیز، که توسط سرمایه‌ی بین‌المللی کنترل می‌شود، صادق است. این گونه کنترل خارجی، به سبب روابط نزدیک میان شرکت خارجی و شرکتهای تابع آن، امکان اصلاح وضعیت را از بین برده و، وابستگی ساخت اقتصاد اسپانیا را ژرف‌تر می‌سازد. این روابط به تحصیل وسایل اضافی تولید و استفاده از تکنولوژی (شرکت) خارجی

می‌انجامد. یعنی که پیروی اسپانیا (از امپریالیسم) همین شرکت آن در پوشش پژوهش و توسعه نیست. بنابر این، از نظر وسایل تولید، اسپانیا در تقسیم بین‌المللی کار به صورت یک کشور تحت تسلط در می‌آید. از سوی دیگر، اسپانیا به صورت یک کشور صادرکننده محصولات ساخته شده‌ای مانند منوجات، کفش، کتاب، و غیره در می‌آید که صرفاً برای مصرف طرح شده‌اند. این گونه محصولات نوعاً با استفاده از تکنولوژی سطح پائین ساخته می‌شوند و، تولید آنها اتکای زیادی بر کار برد نیروی کار ارزان دارد که از درجه‌ی مهارت پائین و یا متوسطی برخوردار است.

حواشی:

* نگیل - طرح این مقاله در یک دانشگاه میانپانیایی دلیل باز شدن نسبی فضای سیاسی اسپانیا در وضع حاضر است.

۱ - طرح کمک ایالات متحد برای توسعه‌ی اروپای غربی، پس از جنگ جهانی دوم و، در نتیجه، جلوگیری از نفوذ و گسترش کمونیسم.

۲ - سیاستی که به موجب آن دولت می‌گوشد نسبت به دیگر کشورهای بی‌نیاز گردد.

3 - O.E.C.D.

۴ - پستا (Peseta)، واحد پول اسپانیا، که به ۱۰۰ سنتی موس تقسیم شده است.

۵ - صرفه‌جویی‌های مقیاس

غالباً در اثر افزایش اندازه و مقیاس کارخانه، کار و کسب، و یا صنعت، هزینه‌های واحد تولید کاهش می‌یابد و از این راه عوایدی حاصل می‌گردد. در شرایط مساعد، مقیاس بزرگ تولید منجر به صرفه‌جویی‌های مهم در موارد زیر می‌شود: زمین، نیروی کار، سرمایه، خرید مواد خام و یا خرید یکجا به بهای ارزانتر، بازار-یابی، تامین مالی و پژوهش. به طور خلاصه، یعنی کاهش میانگین هزینه‌ی واحد تولید همراه با افزایش اندازه و مقیاس واحد تولیدی تا یک میزان معین و، از آن پس افزایش این گونه هزینه‌ها.

طمع خام

تالیف دکتر احسان نراقی - انتشارات طوس «طمع خام» نام اثر جدیدی از دکتر احسان نراقی جامعه‌شناس معاصر است که در این ماه در دسترس اهل نظر قرار گرفته است. کتاب شامل یک سلسله گفتارها و مقالات گوناگون در باب مسائل اجتماعی و فرهنگی است و دکتر نراقی با برداشت و بینش خاصی که در برخورد با مسئله شرق و غرب دارد ویژگی‌های مهم جامعه ایران را به محک نقد زده است.

نراقی در جایی از کتاب - در باب «مدیریت» به حقیقتی بارز اشاره می‌کند:

«... اگر بخواهیم در امر مدیریت مردم و عقائد و خواسته‌ها و احساساتشان را در نظر نیاوریم به نتیجه دلخواه نمی‌رسیم بدین دلیل که مدیریت اداری یک نظام ارزشی است چون قضاوت در کار است و این داوری هنگامی درست است که از اعماق اجتماع نشات گرفته باشد نه اینکه (از بالا) وسفارشی و برنامه‌ریزی شده باشد.» (ص ۸۱)

کتاب شاه لده مقاله است و ارزیابی آن به حوصله و فرصت بیشتری نیاز دارد که امیدواریم در آینده نزدیک قابل حصول باشد.